

مرآت الاکوان

(تحریر شرح ہدایہ ملا صدرا شیرازی)

احمد بن محمد حسینی اردکانی
(۱۱۷۵- درگذشتہ بعد از ۱۲۴۲ھ ق)

مقدمہ تصحیح و تحقیق
عبد اللہ نورانی

الحسینی، احمد بن محمد، ۱۱۷۵ - ق.
مرآت الأكوان (تحریر شرح هدایه ملاصدرا شیرازی) / احمد بن محمد حسینی اردکانی؛ مقدمه،
تصحیح و تحقیق عبدالله نورانی... تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ دفتر نشر میراث مکتوب
(وابسته به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۷۵.
۶۷۸ ص.؛ نمونه... (میراث مکتوب؛ ۱۱: علوم و معارف اسلامی؛ ۱۱)
ص.ع. به انگلیسی:

AHMAD EBN-E MOHAMMAD HOSEYNI ARDAKĀNI

MERĀT-AL-AKVĀN

ISBN :

کتابنامه بصورت زیرنویس.
۱. فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۲. ۲. نشر فارسی - قرن ۱۲ ق. الف. صدرالدین شیرازی،
محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. - شرح الهدایه. ب. نورانی، عبدالله، ۱۳۱۰ - مصحح. ج. دفتر نشر
میراث مکتوب. د. عنوان. ه. عنوان: شرح الهدایه.

۱۸۱/۰۷

م ۵۷۷ ح

۱۳۷۵

B

برگه فهرست نویسی پیش از انتشار دفتر نشر میراث مکتوب



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی



مرآت الأكوان

(تحریر شرح هدایه ملاصدرا شیرازی)

تألیف: احمد بن محمد حسینی اردکانی (۱۱۷۵ - درگذشته بعد از ۱۲۴۲ ق.)

مقدمه، تصحیح و تحقیق: عبدالله نورانی

چاپ اول: تابستان ۱۳۷۵

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

حروفچین و صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ و صحافی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

این اثر زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب وابسته به معاونت امور فرهنگی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از محل تسهیلات حمایتی انتشار یافته است.

فهرست مطالب

پیشگفتار مصحح	۱۳
مقدمه، تعریف حکمت و تقسیم آن به الهی و ریاضی و طبیعی	۹۳
فصل اول	۹۷
در طبیعیات	
مقدمه، موضوع علم طبیعی	
قسم اول	۱۰۱
احوال مشترکه (سماع طبیعی)	
مقاله اول	۱۰۱
اثبات اتصال جسم	
فصل اول، ادله منکرین جزء لایتجزی	۱۰۱
فصل دوم، شبهات در جزء و جواب از آنها	۱۰۶
مقاله دوم	۱۱۱
اثبات هیولی	
فصل اول، ماهیت جسم و مفهوم هیولی	۱۱۱
فصل دوم، جسم فی نفسه متصل است	۱۱۳
فصل سوم، جسم قابل انقسامات غیر متناهی است	۱۱۵
فصل چهارم، جوهر هیولی	۱۱۹
فصل پنجم، جسمیت از هیولی منفک نیست	۱۴۵
فصل ششم، تعری هیولی از صورت محال است	۱۵۱
فصل هفتم، تلازم هیولی و صورت	۱۵۵
فصل هشتم، ترکیب جسم از ماده و صورت	۱۶۰
فصل نهم، صورت نوعیه، صور جواهرند	۱۶۸

مقاله سوم ۱۷۹

حرکت و سکون

فصل اول، تعریف حرکت و سکون	۱۷۹
فصل دوم، اثبات محرک	۱۸۴
فصل سوم، تقسیم حرکت به اعتبار فاعل	۱۸۶
فصل چهارم، میل و تقسیم آن به طباعی و غیر طباعی	۱۹۲
فصل پنجم، تضاد حرکات	۱۹۴
فصل ششم، مبدأ حرکت قسریه	۱۹۵
فصل هفتم، مبدأ میل مستقیم یا مستدیر در جسم	۱۹۶
فصل هشتم، قوه محرکه جسمانیّه در تحریک متناهی است	۲۰۴
فصل نهم، تقسیم حرکت به اعتبار مافیه	۲۱۱
فصل دهم، حرکت در کدام مقوله واقع می شود ؟	۲۱۳
فصل یازدهم، سکون مقابل حرکت کدام سکون است ؟	۲۲۴
فصل دوازدهم، حرکت مستقیمه منتهی به سکون می شود	۲۲۶
فصل سیزدهم، اقدم حرکت حرکات مستدیره است	۲۲۹

مقاله چهارم ۲۳۱

در ذکر زمان و آنچه به آن تعلق دارد

فصل اول، حجج هر طایفه و ایراد بر آنها	۲۳۱
فصل دوم، برای زمان طرف موجودی نیست	۲۴۲
فصل سوم، حقیقت و کیفیت وجود و عدم آن	۲۴۹
فصل چهارم، عدم حرکت قطعیه و عدم زمان	۲۵۱
فصل پنجم، تعدّد زمان به حرکت و حرکت به زمان	۲۵۴
فصل ششم، وقوع کیفیت اشیاء در زمان	۲۵۵

مقاله پنجم ۲۵۷

مکان و آنچه به آن تعلق دارد

فصل اول، ماهیت مکان و اختلاف مردم در آن	۲۵۷
فصل دوم، تحقیق ماهیت مکان	۲۶۱
فصل سوم، برای هر جسمی حیّزی طبیعی است	۲۶۶
فصل چهارم، ابطال خلأ و ردّ بر قائلین آن	۲۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

- ۱- شرح احوال و آثار سید احمد اردکانی
۲- ملاصدرا شیرازی و شرح الهدایه او
۳- معرفت، عقیده و حکمت عملی از نظرگاه ملاصدرا
۴- پیوند ملاصدرا و میرداماد
۵- دستورالعمل اخلاقی ملاصدراى شیرازی
۶- مرآت الاکوان سید احمد اردکانی

۱- شرح احوال و آثار سید احمد اردکانی

سید احمد بن محمد حسینی اردکانی از ذریهٔ علی فرزند امام صادق علیه السلام، در سال ۱۱۷۵ قمری در اردکان یزد متولد شده است، خویشان او همه از فضلا و علمای عصر بوده‌اند، و پسر عم پدرش مشهور به میرزا حکیم ریاضی تصانیف بسیار در ریاضیات داشته، شاه سلطان حسین صفوی در اواخر دولت خود او را به اصفهان طلبیده و تکلیف عمل رصد جدیدی نموده، آن سید فاضل به عذر پیری و اینکه عمر وی وفا به عمل رصد نمی‌کند تمسک جسته از خدمت تفصی یافته و فرزند فاضل عالم عامل کامل عارف عابد دیندارش میرزا ابوالحسن، استاد و مربی سید احمد اردکانی، مدتی راه عمل رصد مذکور را پیموده و انقلاب زمان فعلیت آن اراده را مانع شده است.

سید احمد اردکانی در نزد سید ابوالحسن به تحصیل علوم ادبی و ریاضی و حکمی و شرعی اشتغال یافته، پس از آن رهسپار خراسان شده، مدتی در مجاورت آستان امام رضا علیه السلام فیض یاب بوده و فضلالی آن سامان از وجود او مستفیض می‌شده‌اند. در مراجعت به دیار خود به تقاضای بعضی از فضلا و امرا به تدریس پرداخته و در ضمن آن بعضی ناملازمات از ابنای جنس دیده است و در آن هنگام به تألیف و ترجمهٔ کتب و رسائل

بسیار در موضوعات گوناگون فقه و حدیث و انساب و ادعیه و زیارات و احوال معصومین و پزشکی و اجتهاد و اخبار و تاریخ حکما و حکمت و اخلاق پرداخته است و آنگاه که عمر او به حدود شصت رسیده تحصیل رضای خداوند را آرزومند بوده و تا سالهای پس ۱۲۴۲ حیات داشته است.

آنچه از آثار سید احمد اردکانی در تذکره‌ها و فهرست‌ها شناسایی شده :

۱. ترجمه بحارالانوار علامه مولی محمد باقر مجلسی، سرگذشت امام محمد تقی و امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهم السلام. ۲. ترجمه اکمال الدین و اتمام النعمه شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی. ۳. ترجمه عوالم العلوم، ملاعبدالله بحرانی، سرگذشت حضرت فاطمه زهرا و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام. ۴. ترجمه الارشاد شیخ مفید در احوال معصومین علیهم السلام. ۵. ترجمه عیون اخبار الرضا علیه السلام، تألیف شیخ صدوق. ۶. سرور المؤمنین در زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام در ده مجلد. ۷. شرح فضیلت صلوات بر پیغمبر و معصومین علیهم السلام. ۸. ترجمه کفایة الاحکام ملا محمد باقر سبزواری (نکاح و طلاق و ایلاء وظهار و لعان). ۹. ترجمه مبدأ و معاد ملاصدرای شیرازی. ۱۰. منتخب الزیارة. ۱۱. تلخیص شرح اسباب نفیسی در طب. ۱۲. مرآت الاکوان در حکمت طبیعی و حکمت الهی به مثابه تحریر شرح الهدایة ملاصدرای شیرازی. ۱۳. ترجمه محبوب القلوب قطب الدین اشکوری لاهیجی در تاریخ حکما و ائمه دین و علما. ۱۴. ترجمه جامع السعادات ملامهدی نراقی در اخلاق. ۱۵. شرح کتاب مختصر. ۱۶. شرح شرائع الاسلام به طریق استدلالی، بخش طهارت. ۱۷. شرح زیارت جامعه کبیره. ۱۸. طریقه بیضاء در اجتهاد و اخبار. ۱۹. ضیاء العیون در رثاء امام حسین علیه السلام. ۲۰. ترجمه دعوات. ۲۱. الانساب المشجرة یا شجرة الاولیاء. ۲۲. فضائل الشیعه. ۲۳. احوال امام حسین علیه السلام. ۲۴. احوال امام موسی بن جعفر علیه السلام. ۲۵. احوال امام زمان علیه السلام. و رسائل دیگر.

درباره میرزا حکیم ریاضی شیخ عبدالنبی قزوینی می‌گوید : « میرزا حکیم والد مخدوم ما میرزا ابوالحسن اردکانی دام ظلّه، از مشاهیر فضلا و معاریف آنان خصوصاً در علوم ریاضی است، در آن علوم به نهایت و بر پایه آنچه از علما و مشایخ به ما رسیده، از

جمله فرزند اکرم امجد او، أدام الله ظلّه، به فراتر از نهایت دست یافته است.». محشّی از ریاض العلماء افندی (ج ۲، ص ۱۹۷) آورده‌اند که میرزا حکیم نزد میرزا محمد بن حسن شیروانی درس خوانده، و از مولی محمد حسین بن محمد باقر یزدی ریاضیات استفاده کرده و در یزد سکونت داشته و باورع‌ترین مردم زمان بوده و در سال ۱۱۱۶ فوت کرده است.

تتمیم أمل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۶۷ و طبقات اعلام الشیعه، قرن ۱۲، ص ۲۲۷، انتشارات دانشگاه تهران، تألیف شیخ اجازه ما در علم حدیث مرحوم آقا بزرگ تهرانی، علیه الرحمه.

شرح احوال سید احمد حسینی اردکانی در لغت نامه دهخدا، نجوم السماء میرزا محمد علی کشمیری، فوائد الرضویه حاج شیخ عباس قمی، فهرست کتابخانه آستان قدس، مجلس، دانشگاه تهران، جامع جعفری، اعیان الشیعه سید محسن امین عاملی، طبقات اعلام الشیعه، قرن ۱۳ آمده، و آثار او در کتب مذکور و مخصوصاً در الذریعه إلى تصانیف الشیعه شیخ آقا بزرگ تهرانی معرفی شده است. مفصل‌ترین آن به قلم خود او در پایان ترجمه محبوب القلوب قطب‌الدین اشکوری لاهیجی آمده که اینک ملاحظه می‌کنید :

« تذیل خاتمه در ذکر احوال مترجم کسیر البال کثیر الوبال، غفرالله ذنوبه فی الدّارین و ستر عیوبه فی العالمین بحرمة سید الکونین و آله الأبرار الأخیار المصطفین علیه و علیهم صلوات الله و سلامه فی النّشأتین ».

بدان که مقصود آن کسانی که به ذکر نام و نشان خود پرداخته و علمائی که در تصانیف و مؤلفات خود شرح اسم و رسم خود و اسلاف خود را زبان زد خامه بیان ساخته‌اند جز این نخواهد بود که شاید وقتی به نظر صاحب نظری رسد و توجه کامل عیاری که باطن فیض موطنش مردگان را جان تواند داد و بر روی خاطر ارواح گمنامان دیار خاموشی در رحمتی تواند گشاد، موجب و باعث گردد.

مگر صاحب دلی روزی به رحمت کند در حق درویشان دعایی و می‌تواند شد که اطلاع بر احوال مؤلف کتاب موجب اطمینان و قرار خاطر مطالعه کنندگان در اوّل شروع شود. اگر چه مضمون « انظر إلى ما قال ولا تنظر إلى من قال » کامل عیاران در فن را از التفات به مؤلف بی‌نیاز دارد اما مبتدی را بکار آید و از این جهت علما آن

را از اموری شمرده‌اند که موجب زیادتی رغبت متعلّم می‌شود، و الاّ خود معلوم است که چیزی [که] فایده علمی در ضمن آن نباشد و قائل و مستمع را نفعی نرساند، در گفتنش ملال و در شنفتنش کلال حاصل می‌شود، خصوصاً در صورتی که موهم نخوت جاهلیّت و موجب ارتکاب خلاف شریعت باشد. و آنچه مؤلف به آن تمسّک جسته است که مقصود از عرض احوال بر اخوان صفا تمهید معذرت است برای قصور و اختلالی که در کتاب واقع شده است، نه فخر به نسب و اظهار حسب، معلوم نشد که راه دلالت آن بر این چیست و عذرخواه در آن میانه کیست.

و بالجمله مترجم این کتاب مستطاب احمد بن محمّد الحسینی العریضی به عرض برادران ایمانی و دوستان روحانی می‌رساند که سلسله نسب بنده حقیر به فخر سادات و مظهر و منبع سعادات، امام زاده لازم التکریم، علی بن الإمام الهمام جعفر بن محمّد الصّادق علیه السلام می‌رسد که متون کتب اخبار و رجال از مدح او مملو و چهار امام را دریافته است، و احادیث بسیار از برادر بزرگوار خود حضرت امام موسی علیه السلام روایت نموده است، و در خدمت آن حضرت بسیار عزیز و مکرم و صاحب اسرار بوده است، و بعد از آن حضرت در پیروی و رضاجویی امام ثامن ضامن و حضرت جواد علیه السلام بذل جهد نموده است. و بالجمله در شأن و مرتبه از همه اولاد ائمه در پیش، و قرب و منزلتش نزد برادر و برادرزاده و زاده برادر زاده از اولاد و احفاد خود ایشان بیش بوده است.

او را علی عریضی به واسطه آن گفته‌اند که در «عریض» که قریه‌ای است در چهار فرسخی مدینه ساکن می‌بوده. و یکی از احفاد آن سید بزرگوار مکنّی به «ابوجعفر» از خوف دشمنان و شدّت ایذاء ایشان به طریق فرار به دارالعباده «یزد» آمده و در آنجا مخفی شده است، و والی یزد که یکی از دیالمه بوده است به راهنمایی هادی سبل و راه نماینده کل علیه و علی آله السلام، به نحوی که در تاریخ مذکور است، بر احوال آن سید بزرگوار اطلاع بهم رسانیده، و بعد از شرفیابی به فیض خدمتش دختر خود را به او تزویج نموده، و اولاد و احفاد آن سید بزرگوار در آن دیار بسیار گردیدند. و مزار آن سید در آن دیار به «امام زاده جعفر» مشهور و بیماران علّت جسمانی و نفسانی را موجب شفا و سرور است، و آن سلسله علیه از آن زمان تا حال عزیز و محترم و مظهر فضل و جود و کرم بوده‌اند.

و آبای این ناتوان از آن بلده نقل به « اردکان » که قصبه‌ای است از قصبات آن بلده نموده در آنجا ساکن بوده‌اند. ولادت این کمترین در آن قصبه اتفاق افتاده در روز جمعه، عاشورا، از سال هزار و صد و هفتاد و پنج، ۱۱۷۵، از هجرت، به طالع قوس، به وقتی که عطارد در برج اسد در تصمیم آفتاب و مشتری و زحل در حمل مقارن بوده‌اند.

و اقوام این ناتوان همه از فضلالی زمان و علمای دوران بوده، و بحمدالله هرگز دامان عرض خود را به منصبی از مناصب عرفیه نیالوده‌اند. مگر پسر عم پدرم که در میان فضلالی زمان به « میرزا حکیم ریاضی » مشهور بوده است و تصانیفش در این باب بسیار است، و شاه سلطان حسین صفوی در اواخر دولت خود او را به اصفهان طلبیده و تکلیف عمل رصد جدیدی نموده، آن سید فاضل به عذر پیری و اینکه عمر من وفا به عمل رصد نمی‌کند تمسک جسته از خدمت تفصّی جست. و فرزند فاضل عالم عامل کامل عارف عابد دیندارش میرزا ابوالحسن، طاب ثراه و جعل الجنة مثواه، که استاد و مربّی کمترین بود، مدّتی راه عمل رصد مذکور را پیمود، و انقلاب زمان فعلیت آن اراده را مانع شد. و در سالی که این ذره بی مقدار در نوبت اولی منظور نظر خجسته اثر خورشید آسمان سلطنت و سلطان سریر خلافت گردید در آن عالی مجلس مجال مجالست دید اظهار آنکه در خاطر چنین اراده پنهان است نمود، جوابی که موجب حصول امنیت تواند شد نشنود.

و بالجمله کمترین در اوّل سن در خدمت آن فاضل دیندار و آن سید عالی مقدار که هم معلّم بود و هم پرستار، به تحصیل علوم ادبیه و ریاضیه و حکمیّه و شرعیّه اشتغال نمود، و بعد از آن از این سامان نقل به خراسان نموده مدّتی از مجاورت آستان عرش نشان ضامن غریبان، فیض یاب، و فضلالی آن سامان را زحمت رسان بوده.

چون مراجعت به این دیار کرد به تکلیف بعضی از فضلا و امرا گرفتار شغل تدریس گردید، و در ضمن آن بعضی ناملايمات از ابنای جنس دید. و در آن اوقات رساله‌ای در اجتهاد و اخبار موسوم به طریقه بیضاء در سلک تألیف کشید، و آن اوّل کتابی بود که حقیر تألیف نمود. و بعد از آن به خواهش یکی از دوستان ترجمه بلکه شرحی به لغت فارسی بر کتاب جامع السعادات در علم اخلاق که تألیف فاضل عالم عامل ربّانی مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی، رحمه الله، بود نوشت. و بعد از آن به راهنمایی قائد توفیق به فکر تألیف

کتابی افتاد که مشتمل باشد بر ذکر جمیع احوال و اقوال امام متّقیان و پیشوای شیعیان و امیرمؤمنان و وصیّ بر حقّ پیغمبر آخرالزمان، الامام الغالب الطّالب، امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب، و طرح آن کتاب را بر ده مجلّد ریخت، هر مجلّد به قدر ده هزار بیت، و آن کتاب را به سرور المؤمنین موسوم گردانید. و بحمدالله تعالی که تا به حال شش مجلّد آن صورت اختتام پذیرفته و سرور رسان خاطر مؤمنان گردیده، و امیدواری از برکت باطن فیض موطن آن حضرت این است که عمر وفا نماید و توفیق رفیق گردد تا چهار مجلّد دیگر چنانکه در نظر است جلوه‌گر ساحت ظهور گردد. و در خلال آن تألیف کتابی دیگر مشتمل بر آنچه در احوال امام زمان و خلیفه الرّحمان امام ثانی عشر علیه صلوات الله الملك الأكبر وارد شده است در سلک تألیف کشید. و کتابی دیگر در احوال خامس ائمه هدی و باقر علوم انبیا علیه صلوات الله نوشت. و همچنین در احوال موسی بن جعفر علیهما السلام نیز کتابی پرداخت. و به خواهش یکی از مؤمنات کتابی در تعزیه حضرت امام شهید غریب ترتیب داد به اسلوبی تازه که مشتمل است بر ذکر مصایب آن سرور و موسوم است به ضیاء العیون و فی الحقیقه در فنّ خود کامل و تمام است. و این کتاب غیر از کتاب کبیری است که حقیر در احوال آن امام غریب شهید نوشته و آنچه در آن باب مأثور بوده در آن درج نموده. و از مؤلفات حقیر شرحی است بر شرائع الاسلام که به طریق استدلال تألیف شده و تا حال تحریر این کتاب بیش از شرح کتاب طهارت آن محرّر نگشته. و دیگر از مؤلفات حقیر رسائل و کتب چندی است که درک تفصیل آنها به طول مؤدّی می‌گردد، مثل شرح کتاب مختصر و شرح زیارت جامعه کبیر که با وجود و جازت و اختصار بر مطالب و معانی بسیار مشتمل است، و شرح کتاب اسباب و علامات نفیسی، و کتابی دیگر در طب و ترجمه زیارات و دعوات و غیرها. و الحال که سنین عمر با مصحفش قرین گردیده، یعنی مراحل زندگانی به شصت رسیده و قوی را ضعف حاصل شده و حواس از افعال به هر نحوی که باید عاطل مانده اگر خیالی بجز تدارک مافات نماید خطاست و اگر گاهی برای تحصیل گامی بردارد هرزه گردی و بیجااست، و امیدواری از الطاف باری آن است که عواقب امور را به خیر مقرون گرداند و اگر از عمر چیزی مانده است در تحصیل رضای خودش به آخر رساند، فإنّه بالإجابة جدیر و علیّ کلّ شیء قدیر، صلّی الله علی سیدنا محمد و آله الطّیّبین الطّاهرین إلى یوم الدّین. قد وقع الإتمام